

نویسنده: هادی خالزاده «Hadi Kahazadeh» .
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2025-06-23» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



اسرائیل و آمریکا جنگ را انتخاب کرده‌اند و درد اقتصادی تازه‌ای را به بار آورده‌اند.

Israel and US have chosen war, unleashing fresh economic pain

گذشته از برهم خوردن امنیت، پیامدهای ویرانگر آن بر بازارها، قیمت انرژی و معیشت واقعی بملاحظه خواهد رسید و می‌تواند بسیار بسیار بدتر شود.

Aside from security, the devastating consequences on markets, energy prices, and livelihoods is real and can get much, much worse

ایالات متحده سرانجام وارد جنگ رو به گسترش اسرائیل علیه ایران شده و حملات هدفمندی را علیه تأسیسات هسته‌ای ایران آغاز کرده است تا تهدید هسته‌ای تهران را از بین ببرد، هدفی که بار دیگر از طریق توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ به طور مؤثرتری محقق شد.

رئیس جمهور ترامپ به ایران هشدار داد که یا صلحی در پیش خواهد بود یا فاجعه‌ای بسیار بزرگتر از آنچه ایران در روزهای اخیر شاهد آن بوده است، و این نشان می‌دهد که اگر ایران بخواهد تنش‌ها را افزایش دهد، "اهداف دیگری" وجود دارد.

با این حال، حتی این حمله یک‌طرفه نیز ممکن است قابلیت‌های هسته‌ای بومی ایران را به طور کامل از بین نبرد. مطمئناً به حملات ایران به اسرائیل پایان نداده است و اکنون خطرانی را برای نیروها و دارایی‌های آمریکایی در منطقه ایجاد می‌کند. در واقع، واکنش‌های احتمالی ایران از این به بعد متنوع و غیرقابل پیش‌بینی است. اما ما می‌دانیم که هزینه‌ها - به ویژه اقتصادی - در حال افزایش است و می‌تواند برای همه طرف‌های درگیر و در سراسر جهان ویرانگر باشد.

اسرائیل در حال حاضر هزینه‌های اقتصادی هنگفتی را متحمل می‌شود. تخمین‌ها نشان می‌دهد که یک جنگ یک ماهه می‌تواند حدود ۱۲ میلیارد دلار برای اسرائیل هزینه داشته باشد، و هزینه‌های نظامی روزانه به طور متوسط ۷۲۵ میلیون دلار است. اگر ایران زیرساخت‌های غیرنظامی بیشتری را هدف قرار دهد، این هزینه‌ها می‌تواند به شدت افزایش یابد.

بیش از (5000) اسرائیلی به دلیل حملات موشکی از خانه‌های خود تخلیه شده‌اند. کمبود نیروی کار با بسیج ده‌ها هزار نیروی ذخیره، که بسیاری از آنها از بخش‌های حیاتی فناوری پیشرفته و صنعتی هستند، روبه‌رو است. تا پایان سال ۲۰۲۴، جنگ غزه بیش از ۶۷/۵ میلیارد دلار برای اسرائیل هزینه داشته است، البته به جز خسارات قابل توجه غیرنظامیان و زیرساخت‌ها و زیان‌های اقتصادی گسترده‌تر که تعیین کمیت آنها دشوار است.

یک پیروزی نظامی سریع ممکن است برخی از تأثیرات اقتصادی را کاهش دهد، اما یک جنگ طولانی مدت می‌تواند به شدت به رشد اقتصادی اسرائیل آسیب برساند، ثبات مالی را تحت فشار قرار دهد و به طور بالقوه به رتبه اعتباری بین‌المللی آن آسیب برساند.

حتی قبل از حملات اسرائیل، ایران با یک بحران زیرساختی نگران‌کننده روبرو بود و به طور فوری به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای رفع کمبودهای اقتصادی حیاتی که توسط تحریم‌های ایالات متحده تشدید شده بود، نیاز داشت. حملات اسرائیل این بحران را عمیق‌تر کرده و زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی و انرژی را نابود کرده است. هزینه‌های مستقیم بازسازی به تنهایی می‌تواند به ده‌ها میلیارد دلار برسد و فشار زیادی را به اقتصاد از قبل آسیب‌دیده ایران و منابع مالی محدود آن وارد کند. تخمین من بر اساس آخرین بررسی هزینه‌های خانوار ایرانی در سال ۲۰۲۳ است که نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد از ایرانیان نمی‌توانند نیاز روزانه «۲۱۰۰» کالری را برآورده کنند و از ناامنی غذایی رنج می‌برند. یک جنگ طولانی مدت تنها این بحران انسانی را تشدید می‌کند و کشور را به سمت یک فاجعه ملی بالقوه سوق می‌دهد.

ایران می‌تواند با حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی ایالات متحده، مانند شبکه‌های برق، سیستم‌های آب، خطوط لوله، شبکه‌های مالی و سایر خدمات ضروری، تلافی کند. پیامدهای اقتصادی چنین انتقام سایبری می‌تواند از صدها میلیارد تا بیش از یک تریلیون دلار باشد.

علاوه بر این، اگر ایران زیرساخت‌های انرژی در کشورهای خلیج فارس را هدف قرار دهد یا تنگه هرمز را مسدود کند، می‌تواند بیش از ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت و گاز طبیعی مایع را مختل کند و به طور بالقوه قیمت نفت را به ۱۵۰ دلار در هر بشکه برساند. یک تحلیل بلومبرگ هشدار می‌دهد که قیمت‌های پایدار در این سطح می‌تواند تولید ناخالص داخلی جهانی را سالانه نزدیک به ۱ تریلیون دلار کاهش دهد و به رکود تورمی جهانی دامن بزند. برای ایالات متحده، این امر به شدت تلاش‌ها برای کنترل تورم و ثبات اقتصادی را تضعیف می‌کند. بعید است که جاه طلبی نتانیا هو برای سرنگونی رژیم ایران بدون دخالت مستقیم ایالات متحده، از جمله استقرار صدها هزار نیروی زمینی، به موفقیت برسد. اگر واشنگتن به این شکل مداخله کند، خود را در معرض خطر فرو رفتن در یک جنگ بی‌پایان دیگر قرار می‌دهد که به ۲ تا ۳ تریلیون دلار دیگر و از دست دادن هزاران نفر نیاز دارد.

حتی اگر اسرائیل با از بین بردن رهبری ایران، خنثی کردن قابلیت‌های نظامی و احتمالاً تجزیه ایران بدون تلافی دردناک تهران به اهداف نظامی فوری خود دست یابد، چنین پیروزی‌ای احتمالاً توخالی خواهد بود. هرج و مرج ناشی از آن، موج‌هایی از شورش، بحران‌های پناهندگان و بی‌ثباتی منطقه‌ای را به راه خواهد انداخت که از آشفتگی‌های پس از حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ فراتر رفت.

با توجه به ماهیت غیرمتمرکز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC)، حتی یک ایران تکه‌تکه شده نیز می‌تواند همچنان یک تهدید مداوم باشد. نیروهای باقی مانده سپاه و نیروهای نیابتی آن می‌توانند به حملات علیه اهداف اقتصادی غربی و عربی در سراسر منطقه ادامه دهند و خطرات دایمی و دوامدار را برای منافع آمریکا تحمیل کنند و خسارات قابل توجهی را برای متحدان ایالات متحده ایجاد کنند.

پیامدهای اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند برای متحدان خلیج فارس مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و بحرین حیاتی باشد. به دلیل افزایش تنش‌ها، صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی رشد اقتصادی خود برای سال ۲۰۲۵ را برای منطقه از ۴ درصد به ۲/۶ درصد کاهش داده است. کاهش مداوم رشد دو تا سه ساله، همراه با از بین رفتن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و به تعویق افتادن پروژه‌های عظیم حیاتی برای چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، می‌تواند برای این اقتصادها بین ۷۳۰ میلیارد تا ۱ تریلیون دلار هزینه داشته باشد.

همانطور که یکی از مقامات خلیج فارس اشاره کرد، یک درگیری طولانی مدت می‌تواند با مختل کردن استراتژی‌های توسعه ملی و آسیب شدید به اعتماد سرمایه‌گذاران، سال‌ها پیشرفت اقتصادی را از بین ببرد. ظاهر یک ایران تکه‌تکه شده ممکن است در نگاه اول مفید به نظر برسد، اما اثرات موجی آن در نهایت بار سنگینی بر دوش مالیات‌دهندگان و کسب‌وکارهای آمریکایی خواهد گذاشت و آمریکا را به یک باتلاق منطقه‌ای گسترده خواهد کشاند.

اگر کمپین نظامی اسرائیل شکست بخورد، تهران احتمالاً جسورتر خواهد شد، نه ضعیف. در حال حاضر، به نظر می‌رسد حملات اسرائیل حمایت عمومی ایران از تسلیحات هسته‌ای را افزایش داده و به طور بالقوه مسیر ایران را به سمت سلاح هسته‌ای هموار کرده است.

با وجود هزینه‌های سنگین، ایران طبق ماده X پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) حق عقب‌نشینی را برای خود محفوظ می‌دارد و به آن اجازه می‌دهد برنامه هسته‌ای خود را بدون نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سر بگیرد. چنین سناریویی احتمالاً باعث واکنش زنجیره‌ای از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سراسر منطقه و فراتر از آن، از برلین و ورشو گرفته تا آنکارا و از ریاض گرفته تا سئول و توکیو می‌شود و دهه‌ها تلاش برای عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را از بین می‌برد.

یک خاورمیانه مسلح به سلاح هسته‌ای را تصور کنید، با کشورهای اروپایی و آسیای شرقی که برای توسعه بازدارندگی‌های خود تلاش می‌کنند. آنچه که به عنوان یک حمله هدفمند اسرائیل آغاز شد، می‌تواند به یک کابوس امنیتی جهانی تبدیل شود. پیامدهای اقتصادی آن سرسام‌آور خواهد بود: افزایش قیمت انرژی، افزایش شدید حق بیمه، عدم اطمینان سرمایه‌گذاران و تقویت گسترده نظامی، که همگی به شدت منافع استراتژیک و اقتصادی آمریکا را تضعیف می‌کنند.

یک مسابقه تسلیحاتی جدید که از خلیج فارس تا اقیانوس آرام امتداد می‌یابد، می‌تواند اقتصاد جهانی را بی‌ثبات کند و جایگاه استراتژیک آمریکا را به طرز چشمگیری تضعیف کند. هیچ رئیس‌جمهور آمریکایی، حتی در طول جنگ سرد، هرگز مجبور نبوده است که با فروپاشی همزمان نظم هسته‌ای جهانی در چندین قاره روبرو شود. رئیس‌جمهور ترامپ ناگزیر اولین نفر خواهد بود.

مشخص نیست که آیا دولت ترامپ حتی می‌تواند پس از حملات این آخر هفته مذاکرات را از سر بگیرد یا خیر. اما واشنگتن به جای صرف میلیاردها دلار در یک جنگ پرهزینه دیگر، می‌تواند در ازای بازگشت ایران به پایبندی دقیق در سطوح پایین‌تر غنی‌سازی نسبت به آنچه در برجام ۲۰۱۵ تجویز شده است یا حتی خلع سلاح هسته‌ای، پیشنهادهای کاهش تحریم‌ها و تعامل اقتصادی منطقه‌ای را ارائه دهد. چنین توافقی می‌تواند آن را به یک پیمان عدم تجاوز بالفعل بین ایران و اسرائیل گسترش دهد، چیزی که قبلاً غیرقابل تصور بود. تحقیقات اخیر من نشان می‌دهد که ایالات متحده می‌تواند از طریق صدور مجوز

تجارت دوجانبه تا سقف ۲۵ میلیارد دلار در سال و فراهم کردن راه‌هایی برای شرکت‌های آمریکایی جهت دسترسی به بازار سرمایه‌گذاری ۴ تریلیون دلاری ایران که عمدتاً بکر است، تا سال ۲۰۴۰، به یک توافق قوی‌تر و جامع‌تر دست یابد. چنین توافقی می‌تواند منطقه را از طریق تعامل اقتصادی متقابل به جای تشدید تنش نظامی، باثبات کند.

گزینه‌های دیگر غیرقابل توصیف هستند: یک فاجعه منطقه‌ای تریلیون دلاری، یک توافق هسته‌ای از هم پاشیده، یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای و فروپاشی شبکه‌های اتحاد که از نظر تاریخی زیربنای سلطه ایالات متحده در خاورمیانه بوده‌اند.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

هادی کحال زاده

هادی کحال زاده پژوهشگر مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه برن دیس است. او از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ به عنوان اقتصاددان در سازمان تأمین اجتماعی ایران خدمت کرده است. او آثار گسترده‌ای در مورد اقتصاد سیاسی، توسعه، دولت رفاه و تحریم‌های اقتصادی ایران منتشر کرده است. آثار او در نشریات برجسته‌ای مانند فارن افرز، گاردین و میل ایست‌آی منتشر شده است.

----- **با تقدیم احترام «29-06-2025»**